۵۳ فایل 48 1988-1991

پنجشنبه ۲۶ مه ۱۹۸۸

ژاله‌ی بسیار گرامی و عزیز

دیری است که بی‌خبر از گفتارهای شیوای تو هستم که با این سادگی‌ها [illegible] چه بگفته‌شان و از چه راهی

برای این هستی که آسان نامه نمی‌نویسی. گرامیداشتم که روزگار بدی است که هر چه کار و تلاش در این جهان

و دیگر گفتنی بیشتر است همان نسبت دست و دل هم بیشتر می‌لرزد.

ژاله جان نگفتی که از اینجا که با دیگران [illegible] می‌دارد در [illegible] آرامی [illegible]

تو تازه که امید دارم چنین نباشد دیگر هیچ [illegible] را نگفت. آهنگ‌ها و برخی کارهای دیگرت

گردن را می‌زنی؟ که هرگز چنین باشد. ای وجهه [illegible] از سر لاقیدی است یا این نمی‌نویسی!

از آن چه داری؟ که می‌دانی دل در دهان برای آن [illegible] تازه و [illegible] این [illegible]

کتاب‌های این دو [illegible] رنگ زیبای آسمان [illegible] نباید از زیبا بیفتی.

بهتر است بدانی که نقد کتابت [illegible] جای داشت ولی [illegible] از آنچه «ژاله» [illegible]

[illegible] شود زیرا که او [illegible] خوش [illegible] که [illegible] دوری [illegible] از چشم‌ها دوری داد.

[illegible] مستقیم به [illegible] و [illegible] که [illegible] خوب است در [illegible] آنجا و

[illegible] گرفت که [illegible] و [illegible] گفته‌ای [illegible] جمع با آنها [illegible] چنین [illegible]

[illegible] و آنچه [illegible] جنبان [illegible] است این [illegible] است که [illegible] از [illegible]

دیدی چنین سرشاری [illegible] یافته است؟ مطمئنم [illegible] نیست [illegible] دارند دوباره

[illegible] قربانت